

فهرست عناوین

- ۹ **حکمت حکمت مدنی**
علیرضا صدرا
- ۳۱ **چیستی فلسفه سیاسی متعالیه**
شریف لکزایی
- ۴۷ .. **تأملی انتقادی در باب تعبیر «فلسفه مضاف»؟! مطالعه موردی «فلسفه سیاست»**
محمد پزشکی
- ۹۱ **نظریه اعتدال در فلسفه سیاسی اسلامی**
مرتضی یوسفی‌راد
- ۱۱۳ ... **تأثیر نگاه معرفت‌شناسانه در نظریه‌های سیاسی با تأکید بر آرای سوفیست‌ها**
محمدحسین طالبی
- ۱۳۱ **شبهه خان الامین**
جمال سروش، شهرزاد دهقان جبارآبادی

حکمت حکمت مدنی

علیرضا صدرا^۱

چکیده

حکمت حکمت مدنی، اجتماعی و سیاسی: به چرایی و چیستی و حتی کلیات چگونگی شناسی «حکمت مدنی» می‌پردازد. یعنی خاستگاه، جایگاه و نقش حکمت مدنی را شناسایی نموده و می‌شناساند. چنان که حکمت مدنی: به چرایی و چیستی و حتی کلیات چگونگی شناسی «حکومت مدنی» و بلکه پدیده مدنی، سیاسی و سیاست و پدیده‌شناسی آن(ها) می‌پردازد. یعنی خاستگاه، جایگاه و نقش راهبردی حکومت و پدیده مدنی را بر می‌نمایاند. سیرمتکامل (پلکانی) حکمت مدنی از بنیاد و از آغاز گذار از بدویت و سیر مدنیت انسانی و اجتماعی تا کنون و تا غایت و تا انجام و کمال نهایی به تعبیری مهدوی، مرهون واکاوی حکمت حکمت مدنی است. کما اینکه پرسمان حکمت مدنی اعم از معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و پدیده‌شناسی حکمت مدنی و حتی علم مدنی از جمله نمودشناسی یعنی دانش مدنی؛ اجتماعی و سیاسی و بلکه سیاست مدنی، به صورت روشمند، قاعده‌مند، نظاممند و هدفمند نیز بر این اساس بوده، و در این راستا می‌باشد. فارابی و خواجه نصیر دوتن از برجستگان جدی، جهانی و جاویدان این حوزه معرفتی خوشبختانه اسلامی و ایرانی‌اند. نخست مؤسس و دومین مجدد علم و حکمت مدنی؛ اجتماعی و سیاسی در تاریخ و جهان اسلام و ایران بوده و محسوب می‌گردند. مقاله به تحلیل گفتمان حکمت حکمت مدنی در آثار و آراء و بلکه در نگاه، نظریه و نظام حکمی این دو می‌پردازد. فرضیه اصلی: حکمت مدنی؛ اجتماعی و سیاسی متعالی است.

واژگان کلیدی: حکمت، مدنی، اجتماعی، سیاسی، متعالی، فارابی، نصیرالدین طوسی

چیستی فلسفه سیاسی متعالیه

شریف لکزایی

چکیده

فلسفه سیاسی یکی از انواع صورت‌های اندیشه سیاسی است که از دیرباز در میان متفکران رایج بوده و مباحث و دیدگاه‌های مختلف در این زمینه همواره از سوی متفکران مطرح شده و مورد بحث قرار گرفته است. این که این دیدگاه‌ها به ویژه آنچه از سوی مهم‌ترین متفکران غربی مطرح شده است چه مقدار با مباحث فیلسوفان مسلمان قابل تطبیق و سنجش است جای تأمل، بررسی و تحقیقات بسیاری دارد که در مقاله حاضر به صورت مختصر به آن پرداخته می‌شود. از این‌رو مقاله حاضر در تلاش است در ابتدا ضمن ارائه بحثی مختصر درباره فلسفه سیاسی با تأکید بر دیدگاه اشتروس، به تبیین و مقایسه آن با فلسفه سیاسی متعالیه با تأکید بر آرای صدرالدین شیرازی بپردازد. برای این منظور سعی شد ضمن توجه به نقاط اشتراک و نقاط قوت این دیدگاه، وجوه تمایزش مورد بحث و توجه قرار گیرد و تلاش شود مفهوم فلسفه سیاسی متعالیه با تفصیل بیشتری مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: فلسفه سیاسی، فلسفه سیاسی متعالیه، ملاصدرا، حکمت متعالیه

تأملی انتقادی در باب تعبیر «فلسفه مضاف»؟! مطالعه موردی «فلسفه سیاست»

محمد پزشکی

چکیده

نوشته حاضر درصدد نشان دادن اختلالات مفهومی و نظری تعبیر «فلسفه مضاف» در شاخه‌های سیاسی فلسفه است. مدعای این نوشته آن است که تعبیر مزبور از سویی نتایج ناموجهی در مفهوم‌پردازی این شاخه‌ها ایجاد می‌کند و از سوی دیگر نظام آموزشی و پژوهشی شاخه‌های مزبور را در هم می‌ریزد. این نوشته برای بررسی موضوع خود به تحلیل عقلی از طریق اسناد به داده‌های جمع‌آوری شده می‌پردازد. نتیجه حاصل از این نوشته موجب تصحیح شناخت جامعه فلسفی ایران از مفاهیم «فلسفه سیاسی»، «فلسفه سیاست» و «فلسفه علم سیاست» می‌شود و می‌تواند به نظام آموزشی و پژوهشی شاخه‌های مزبور یاری رساند.

واژگان کلیدی: فلسفه مضاف، فلسفه سیاسی، فلسفه سیاست، فلسفه علم سیاست

نظریه اعتدال در فلسفه سیاسی اسلامی

مرتضی یوسفی راد

چکیده

فلاسفه اسلامی بر مبنای جهان بینی علمی و نظری خود قائل به حاکمیت اعتدال بر کل عالم هستی هستند و آن را بر موجودات تکوینی عالم آسمانی جبری دانسته و بر موجودات ارادی عالم زمینی و عالم خیرات و شرور خاصه بر حیات سیاسی انسان لازم و ضروری می دانند و همواره رسیدن به آن را در زندگی مدنی و نظام سیاسی دغدغه ذهنی و مسأله فکری خود قرار داده اند. پرسش آن است که با توجه به وجود تمایزات میان عوالم مذکور، آنان از اعتدال حاکم بر عالم آسمانی و موجودات تکوینی چه تبیینی نموده و چه جایگاه و نقشی برای اعتدال در موجودات ارادی - تشریحی و زندگی مدنی و نظام سیاسی قائلند و حقیقت آن را چه می دانند؟ ادعا آن است که فلاسفه اسلامی اعتدال در عالم موجودات ارادی و در زندگی فردی و مدنی و نظام سیاسی را سبب برای ثبات و تعادل بخشی و در نتیجه سبب برای کمال آنها می دانند همان طور که عالم سماوی و موجودات تکوینی آن از چنین ثبات و تعادلی برخوردارند. آنان دستیابی به آن را از طریق حاکمیت حکمت و شریعت بر زندگی فردی و مدنی ممکن می دانند. نویسنده با روش توصیفی - تحلیلی به معرفی چستی اعتدال و تبیین جایگاه و اهمیت آن در نظام هستی اعم از عالم آسمانی و زمینی بر می آید. از نتایجی که بر این موضوع بار می شود آن است که موضوع اعتدال به جهت امر فطری بودن آن به رشد و شکوفایی تمام استعدادها و ظرفیت های کمالی انسان خاصه خصلت عقلانی انسان در ابعاد نظری و عملی و رفتاری افراد در تعاملات مدنی می انجامد و توازن و ثبات و تعادل افراد و جامعه و نهادهای مدنی آن را در پی دارد.

واژگان کلیدی: اعتدال، موجودات تکوینی، موجودات ارادی - تشریحی، توازن و ثبات، فلسفه سیاسی، فلسفه سیاسی اسلامی

تأثیر نگاه معرفت‌شناسانه در نظریه‌های سیاسی با تأکید بر آرای سوفیست‌ها

محمدحسین طالبی

چکیده

نشان دادن توقف نظریه‌های سیاسی بر نظریه‌های معرفتی هدف این نگارش است. این کار از راه معرفی نظریه‌های متضاد سیاسی سوفیست‌ها در یونان باستان و ابتدای آنها بر آرای متضاد معرفت‌شناسانه آنها نسبت به امور واقع صورت می‌گیرد. از یک‌سو، نظریه نسبیت‌گرایی و شبه‌پوچ‌گرایی نسل اول سوفیست‌ها، از جمله پروتاگوراس و گریاس، تأثیر بسزایی در پوزیتیویستی بودن آرای سیاسی آنها داشت. از سوی دیگر، ثبات نظرگاه‌های واقع‌گرایانه سیاسی نسل‌های متأخر سوفسطائیان، متأثر از آرای معرفتی ضدنسبیت‌گرایی فیلسوفان یونانی، مثل سقراط بود.

این همه از این امر حکایت می‌کند که نظرگاه‌های معرفتی دانشمندان همواره نقشی تعیین‌کننده در آرای سیاسی آنها داشته و دارد. بنابراین، نظریه‌های پوزیتیویستی سیاسی در عصر حاضر نیز دلیل بر قبول نظریه نسبیت‌گرایی معرفتی از سوی صاحبان و طرفداران آن نظریه‌هاست. به دلیل آنکه نظریه نسبیت‌گرایی معرفتی به لحاظ منطقی غیرقابل دفاع است، نتیجه می‌گیریم که هیچیک از نظریه‌های سیاسی پوزیتیویستی نیز به لحاظ منطقی توجیه‌پذیر نیستند.

واژگان کلیدی: معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، نظریه‌های سیاسی، نسبیت‌گرایی، سوفیست‌ها، پروتاگوراس، گریاس.

شبهه خان الامین

جمال سروش^۱، شهرزاد دهقان جبارآبادی^۲

چکیده

امامان شیعه و پیروانشان از ابتدا توسط مخالفان و معاندان مورد اتهامات بسیاری واقع می‌شدند؛ یکی از این اتهامات این است که گفته می‌شود شیعیان بعد از سلام هر نمازی سه مرتبه دو دستشان را از روی تأسف به ران‌هایشان می‌زنند و می‌گویند خان الامین؛ یعنی جبرائیل امین خیانت کرد؛ چرا که وحی را که باید به علی بن ابی‌طالب می‌داد به محمد بن عبدالله داد! در این مقاله کوشیده‌ایم که ابعاد مختلف این شبهه را بررسی کرده و پاسخ دهیم؛ ابتدا آنچه را که شیعه و اهل سنت بعد از سلام نماز مستحب می‌دانند را یادآوری کرده و سپس ریشه این اتهام را بررسی می‌کنیم و در نهایت، شبهه را از چهار منظر تاریخی، تجربی، نقلی (فقهی) و عقلی (تحلیلی - کلامی) پاسخ می‌دهیم.

واژگان کلیدی: خان الامین، جبرائیل، شبهه، ادعا، اختلاف، اتهام، شیعیان.